



بررسی صورت‌های مختلف وام‌گیری واژگانی زبان فارسی از فرانسه، علل و آسیب‌شناسی

دکتر رحیم فهندژسعدی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه شیراز،

شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۷ تیر ۱۳۹۹؛ تاریخ پذیرش: ۹ شهریور ۱۳۹۹؛ تاریخ انتشار: ۱۱ شهریور ۱۳۹۹)

زبان فارسی از دیرباز واژگان بسیاری را از زبان‌های مختلف شرقی و غربی به‌خود راه داده‌است، یکی از زبان‌های لاتین که واژگان زیادی را از خود به زبان فارسی گسیل ساخته‌است، زبان فرانسه می‌باشد. این وام‌گیری‌ها در برخی موارد نیازهای زبان فارسی را مرتفع ساخته‌اند اما در برخی موارد نه تنها خلأهای زبانی را پر نکرده بلکه آسیب‌های زبانی و فرهنگی‌ای را نیز در پی داشته‌است. این پژوهش، علاوه‌بر بررسی شیوه‌های متفاوت وام‌گیری زبان فارسی از فرانسه (وام‌گیری کامل، واژه دورگه، واژه دورگه‌ترکیبی، وام‌گیری به اشتباه‌انداز و گرت‌برداری) به بحث ضرورت و عدم ضرورت وام‌گیری پرداخته‌است. نتایج مطالعات پژوهشگر و تحلیل داده‌های مستخرج درنهایت منجر به ارائه سه اصل برای وام‌گیری جهت ممانعت از ورود وام‌واژه‌های ناکارآمد به زبان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: وام‌گیری واژگانی، وام‌واژه، فارسی، فرانسوی، وام‌گیری کارآمد، وام‌گیری ناکارآمد.

^۱E-mail: rfahandejsaadi@yahoo.fr

مقدمه

وام‌گیری^۱ واژگانی در بین زبان‌ها به‌عنوان شیوه‌ای از غنابخشیدن و واژه‌سازی به‌ویژه در وضعیت امروز جهانی‌سازی علوم و تکنولوژی، ضرورتی انکارناپذیر در میان همهٔ زبان‌ها به‌نظر می‌رسد. اینترنت نقش مهمی در سرعت‌بخشیدن به این جهانی‌سازی و از بین بردن مرزهای میان کشورها دارد و باعث نزدیک‌شدن هرچه بیشتر ملل و کشورها از طریق زبان شده‌است به‌گونه‌ای که از طریق اینترنت و فضای مجازی افراد به‌راحتی می‌توانند قدم به دیگر کشورها بگذارند و با زبان آن‌ها آشنا شوند و از این طریق با مفاهیم و کلماتی که در زبان و فرهنگ مبدأ آن‌ها وجود ندارد آشنا شده و آن‌ها را به‌عاریت‌گرفته و وارد زبان خود کنند. زبان فارسی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و از دیرباز واژگان بسیاری را از زبان‌های مختلف شرقی و غربی به‌خود راه داده‌است. یکی از زبان‌های لاتین واژگان زیادی را از خود به زبان فارسی گسیل ساخته‌است زبان فرانسه می‌باشد. از این‌رو این پژوهش تمرکز خود را به‌طور ویژه بر وام‌گیری‌های زبان فارسی از این زبان معطوف ساخته‌است و سعی دارد شیوه‌ها و شکل‌های مختلف این وام‌گیری‌ها را با ذکر نمونه‌هایی برشمرد. این وام‌گیری‌ها در برخی موارد سبب برطرف کردن کمبودهای زبان فارسی شده و در برخی دیگر از موارد نه‌تنها بی‌اثر بلکه مخرب نیز بوده‌است. پژوهشگر نسبت به این پدیدهٔ زبان‌جامعه‌شناختی به‌ویژه وقتی بیشتر حساس شده که طی دو دههٔ اخیر پس از بازگشت به ایران با بسامد بالای واژه‌های غربی در گفتگوهای ایرانیان مواجه شده‌است. همچنین حین برخی همایش‌های علمی نیز تعدادی از سخنرانان ادعان داشته‌اند که بدون استفاده از کلمات غربی، صحبت‌کردن برایشان تقریباً غیرممکن است. علاوه‌بر آنچه گفته شد، در راستای انجام این پژوهش، پژوهشگر با پرسش‌های گوناگونی روبرو بوده‌است، پرسش‌هایی مانند این‌که آیا در چنین فضا و موقعیت جهانی‌سازی همچنان می‌توان توسل زبان یک کشور را به وام‌گیری واژگانی غیرضروری، توجیه نمود؟ زبان فارسی در تعامل با زبان‌های خارجی به‌ویژه زبان فرانسه به چه شیوه‌هایی واژه‌ها را در جهت غنی‌کردن خود به‌کار می‌گیرد؟ آیا وام‌واژه‌ها همیشه نقش مثبتی را در مقابل زبان فارسی ایفا کرده‌اند؟ زبان فارسی با نقش‌پذیرنده خود در وام‌گیری چه تدابیر و سیاست‌های زبانی و فرهنگی را باید اتخاذ کند تا از سویی بتواند فرآیند وام‌گیری را به‌انجام رسانده و موجب غنای خود شود و از سویی دیگر هویت فرهنگی، زبانی و استقلال خود را از دست ندهد؟ بدین‌معنی که هم‌زمان با حفظ خود از تهاجم‌های فرهنگی واژگان بیگانه و تثبیت اصالت خود بتواند کلماتی را که به آن‌ها نیازمند است به‌خود راه دهد. نکتهٔ حائز اهمیت دیگر آن است که گاه گویشوران بومی فارسی علی‌رغم

¹ Emprunt

وجود واژه‌های هم‌معنا و نبود خلأ زبانی و مفهومی دست به استفاده از وام‌واژه‌ها می‌زنند که این پدیده علاوه بر بی‌فایده بودن، پیامدهایی را نیز با خود به همراه دارد. تمامی این‌ها، مسائلی هستند که پژوهشگر تلاش دارد به بررسی و تشریح آن‌ها بپردازد.

هدف پژوهش

باتوجه به آنچه پیش‌ازاین گفته شد، هدف از انجام این پژوهش به‌طور شفاف بررسی کارآمدی و ناکارآمدی وام‌گیری‌ها از خلال شیوه‌ها و شکل‌های گوناگون وام‌گیری زبان فارسی از فرانسه است، همچنین این پژوهش تلاش دارد تا زمینه‌های به‌وجودآورنده این نوع وام‌گیری‌های ناکارآمد را نیز بررسی کند تا درنهایت بتوان اصولی را برای کاهش و یا مهار وام‌گیری‌های واژگانی لجام‌گسیخته ارائه داد.

پیشینه پژوهش

باتوجه به اهمیت پدیده وام‌گیری واژگانی برای زبان‌ها به‌طورکلی از یک سو، و بسامد بالای وام‌واژه‌های فرانسوی در زبان فارسی به‌طورویژه ازسویی‌دیگر، پژوهشگر پس از بررسی‌های خود به پژوهش‌هایی در زمینه وام‌گیری زبان فارسی از زبان فرانسه و یا دیگر زبان‌ها دست یافته‌است. دراین‌میان سهم مطالعات زبان عربی نسبت به سایر زبان‌ها بیشتر بوده‌است، پژوهش‌هایی نظیر عامری (۱۳۹۵)، رضانی (۱۳۹۶) و شجاع پوریان (۱۳۹۵) نمونه‌هایی از آن‌هاست.

در زمینه تعاملات واژگانی زبان فارسی و فرانسه یا همان وام‌گیری واژگانی یکی از پژوهش‌ها مربوط به دیهیم^۱ (۱۹۸۱) است که به بررسی وام‌واژه‌های زبان فرانسه در فارسی و فارسی در فرانسه می‌پردازد، این پژوهش به‌طورخاص بر انواع وام‌واژه‌های هر دو زبان فارسی و فرانسه تمرکز دارد و به‌علت ماهیت خود طبیعتاً به عوامل زمینه‌ساز این تبادل‌های واژگانی نمی‌پردازد. همچنین نواب‌زاده (۱۳۹۳) طی پژوهش خود وام‌واژه‌های فرانسوی موجود در زبان فارسی را براساس دگرگونی‌های آن‌ها پس از ورود به زبان فارسی، موردبررسی قرار می‌دهد. این پژوهش در حوزه معاشناسی صورت گرفته و صرفاً تغییرات معنایی وام‌واژه‌های فرانسوی را بدون بررسی ضرورت و عدم ضرورت آن‌ها برای زبان فارسی موردمطالعه قرار می‌دهد. ترابی (۱۳۵۶) نیز وام‌واژه‌های فرانسوی موجود در زبان فارسی را از دیدگاهی جامعه‌شناختی تحلیل کرده و اشاره‌هایی به ریشه‌های فرهنگی این نوع وام‌گیری‌ها دارد. خلیل‌پور^۲ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی به بررسی حالت عکس این پدیده یعنی وام‌گیری فرانسه از فارسی

^۱ Deyhime

^۲ Khalilpour

پرداخته‌است. علاوه بر مطالعات زبان‌شناختی بر وام‌گیری‌های زبان فارسی از فرانسوی، فرهنگ‌های واژگان دخیل نیز طبق مقتضیات خود اشاره‌هایی به وام‌واژه‌های فرانسوی در فارسی نیز داشته‌اند. مواردی همچون زمردیان (۱۳۷۳) و مشیری (۱۳۷۱) نمونه‌هایی از این دسته هستند. وجه تمایز این پژوهش با مطالعات انجام‌شده پیشین آن است که این پژوهش با نگاهی آسیب‌شناختی انواع وام‌گیری‌های زبان فارسی از فرانسه را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ از این رو این پژوهش با رویکردی همه‌جانبه به موضوع وام‌گیری واژگانی به‌رغم پژوهش‌های پیشین، کار خود را تنها به توصیف وام‌گیری‌ها و وام‌واژه‌ها محدود نمی‌سازد بلکه به زمینه‌ها، پیامدهای این پدیده، انواع وام‌واژه‌ها و درنهایت اصول وام‌گیری صحیح می‌پردازد.

شیوه پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ ماهیت در دسته پژوهش‌های بنیادی قرار گرفته و به‌شیوه توصیفی تحلیلی انجام پذیرفته‌است. هم‌چنین به‌منظور یافتن دلیل اصلی وام‌گیری‌های ناکارآمد در این زمینه پژوهشگر از ابزار پرسشنامه استفاده نموده‌است. پرسشنامه میان ۳۰ نفر از دانشجویان سال سوم رشته زبان انگلیسی که فرانسه را به‌عنوان زبان دوم فراگرفته‌اند توزیع شده‌است. شرکت‌کنندگان به‌روش نمونه‌گیری انتخابی، انتخاب شده و دانشجویان انتخابی می‌بایست به دو زبان اروپایی (انگلیسی و فرانسوی) تسلط داشته باشند. داده‌های حاصل از تحلیل پاسخ‌های دانشجویان به‌منظور بررسی علل توسل ایرانیان به واژه‌های غربی علی‌رغم وجود مترادفات و معادل‌های فارسی، مورد بررسی قرار گرفته‌است.

مبانی نظری پژوهش

تمامی زبان‌های زنده دنیا برای حفظ پویایی و به‌روزرسانی خود دست به ساخت واژه‌های جدید می‌زنند و در راستای دستیابی به این هدف، از شیوه‌های گوناگون واژه‌سازی بهره می‌گیرند. زبان فارسی همچون دیگر زبان‌ها با شیوه‌های مختلف واژه‌سازی در حال تغییر و تحول است. این شیوه‌های مشترک میان تمامی زبان‌ها شامل ترکیب (افزودن دو کلمه ساده)، اشتقاق (افزودن وند)، دگرگونی معنایی، بریده‌سازی کلمات، مخفف‌سازی و وام‌گیری در زمینه‌های ساختاری، صوری و معنایی هستند (پول^۱ ۲۰۱۴، ۶۶). در ارتباط با زبان فارسی این شیوه‌ها نه‌تنها در سطح درون‌زبانی خود را نشان می‌دهند بلکه در سطح برون‌زبانی و بین‌زبانی نیز بروز می‌یابند که جلوه‌هایی از وام‌گیری محسوب می‌شوند، چنین است که واژه‌هایی نظیر رژلب^۲ (ترکیب)، شوفری^۱ (اشتقاق)، ترافیک^۲ (دگرگونی معنایی) و پژو^۳

¹ Yule

² Rouge à lèvres

(دگرگونی آوایی) می‌توانند مصادیقی از اشکال مختلف وام‌گیری واژگانی محسوب شوند.

انواع وام‌گیری

وام‌گیری به‌عنوان یکی از پرکاربردترین شیوه‌های خلق واژه در دنیای امروز مورد استفاده همه زبان‌ها قرار می‌گیرد. «یکی از راه‌های گسترش زبان، وارد کردن عناصر واژگانی از دیگر زبان‌ها یا گویش‌هاست. این کار را وام‌گیری می‌نامند. واژه‌ای که از زبان یا گویشی دیگر به زبان وارد می‌شود، وام‌واژه نامیده می‌شود.» (شقایق ۱۳۸۶، ۱۲۷)

نکته حائز اهمیت آن است که پدیده وام‌گیری تنها در سطح واژگان رخ نمی‌دهد، «می‌توان قرض‌گیری را فرآیندی دانست که عمدتاً نتیجه برخورد های زبانی و از طریق افراد دوزبانه آغاز و طی آن عناصری آوایی، واژگانی و حتی نحوی از یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شود.» (صفوی ۱۳۷۴، ۹۹)

از سویی دیگر، در رابطه با تفاوت موجود میان وام‌گیری واژگانی و وام‌گیری نحوی موجود میان دو زبان وام‌دهنده و وام‌گیرنده، «می‌توان تصدیق کرد که تمامی عناصر یک زبان قابلیت وام‌گیری دارند اما همه این عناصر با یک درجه سهولت مساوی به‌عاریت گرفته نمی‌شود، به این معنی که هرچه عنصر وام‌گرفته شده مرتبط با کلمه باشد وام‌گیری با سهولت بیشتری صورت می‌پذیرد و هرچه این عنصر مرتبط با ساختار دستوری باشد، وام‌گیری دشوارتر انجام می‌گیرد.» (دوروا^۴ ۲۰۱۳، ۳۲۰)

وام‌گیری کلمات بیگانه به دو شکل اتفاق می‌افتد: کامل و ناقص. در گونه کامل این شیوه واژه‌سازی به‌نوعی هم‌صورت (آوایی) و هم معنی کلمه به‌طور کامل به‌عاریت گرفته می‌شود اما در وام‌گیری ناقص یا صورت آوایی و یا معنای کلمه به‌عاریت گرفته می‌شود. (دوروا^۴ ۲۰۱۳، ۳۲۰) وام‌گیری زبان فارسی از زبان فرانسه بیشتر در حیطه واژه‌ها ظاهر می‌شود. در بررسی شیوه‌های مختلف وام‌گیری زبان فارسی از زبان فرانسه مشاهده شده است که شش نوع وام‌گیری اساسی وجود دارد:

الف) وام‌گیری کامل^۵

کلمه را با همان معنا و همان شکل تلفظی‌اش در زبان فرانسه به‌عاریت گرفته و در زبان فارسی به‌کار می‌برند. حال ممکن است کلمه را با همان معنی و همان تلفظ دقیق به‌کار برند و یا اینکه تغییراتی را در تلفظ ایجاد کنند (که این امر به‌منظور سازگارسازی با نظام آوایی زبان فارسی صورت می‌گیرد). کلماتی

¹ Chauffeur

² Trafic

³ Peugeot

⁴ Deroy

⁵ Emprunt intégral

مثل: کودتا، آباژور، رُب دشامبر (رُب دشام) و آتلیه ... در این حالت زبان فارسی آواهای کمیود را با آواهایی که نزدیک به آن‌ها است مطابقت می‌دهد. برای نمونه به جای آوای [ř] از [r]، [ã] از [an]، [ɲ] از [in] و به جای [y] از [u] استفاده می‌شود.
تلفظ کلمه‌هایی مانند: رولان، منیزیم، کامو^۱ و ...
(ب) واژه دورگه^۲

یکی دیگر از انواع وام‌واژه‌ها می‌باشد و حالتی است که در آن معنی واژه بیگانه را گرفته ولی به لحاظ صورت، بخشی از صورت کلمه را وام می‌گیرد نه به طور کامل و به آن وندهای فارسی اضافه می‌کنند. در اینجا منظور از صورت، صورت آوایی و نه صورت املائی و نوشتاری است. برای نمونه: آنتن دار، آسفالت کار، سیمان ساز، فرانسوی، پست‌چی^۳ و ...

(پ) واژه ترکیبی دورگه^۴
حالتی است که یک کلمه مرکب از زبان فرانسه به عاریت گرفته می‌شود اما یک بخش از آن ترجمه می‌شود و بخش دیگر دست‌نخورده باقی می‌ماند. برای نمونه: مزون عروس، فروشگاه اسپورت، گالری عکس، آتلیه عکاسی، رژلب، فیش حقوقی، سیستم تهویه و
(ت) وام‌گیری به اشتباه اندازه^۵

کلماتی که به عاریت گرفته می‌شود اما به آن معنی که در زبان مبدأ رایج است دلالت ندارد. در چنین حالتی تنها صورت آوایی کلمه را به عاریت می‌گیرند اما معنی را کاملاً تغییر می‌دهند. برای نمونه: مبل^۶ (به معنی وسایل خانه) در حالیکه در زبان فارسی به معنی کاناپه است. پاساژ^۷ (انتقال چیزی به کسی دیگر، یا محل گذر عابر پیاده) در حالی که در زبان فارسی به معنی مرکز خرید است. دیپلمه^۸ (کسی که مدرکی را در مهارت و یا در تحصیلات خاصی گرفته است) در حالی که در فارسی یعنی کسی که مدرک پایان تحصیلات دبیرستان را گرفته است. آپارتمان^۹ (یک واحد از یک مجتمع چند طبقه) در حالی که در

¹ Romain Rolland, Magnésium, Camus

² Hybride

³ Antenne + دار (équipé d'une antenne), Asphalte + کار (celui qui travaille avec de l'asphalte), Ciment + ساز (cimentier), poste + چی (facteur).

⁴ Hybride composé

⁵ Faux emprunt

⁶ Meuble

⁷ Passage

⁸ Diplômé

⁹ Appartement

زبان فارسی به معنی کل مجتمع چند طبقه است. مانتو^۱ (لباس گرم یا کاپشن) در حالی که در زبان فارسی تنها به معنای لباسی بلند و دکمه‌دار است که نوعی پوشش اسلامی و مخصوص زنان محسوب می‌شود. با توجه به این دگرگون‌سازی‌های معنایی که صورت گرفته این نوع از وام‌گیری اشتباه‌انداز نامیده می‌شود چراکه می‌تواند هم یک ایرانی و هم یک فرانسوی را در برداشت معنی به اشتباه بیاندازد.

ث) گرت‌برداری^۲

حالتی است که در آن معنی کلمه مورد نظر از طریق ترجمه اجزای کلمه مرکب به عاریت گرفته می‌شود و بایستی بین آن و سایر شیوه‌های دیگر وام‌گیری تمییز قائل شد. «گرت‌برداری، متفاوت از وام‌گیری است چراکه در وام‌گیری، کلمه خارجی با همان صورت و معنا وارد زبان مقصد می‌شود در حالی که در گرت‌برداری، وام‌واژه در زبان مقصد ترجمه می‌شود.» (دوبوا^۳ و همکاران ۲۰۰۲، ۷۴) و خود به دو گونه زیر تقسیم‌بندی می‌شود:

۱) گرت‌برداری واژشناختی (تکواژشناختی)^۴

در این نوع از وام‌گیری، کلمه‌ای که عمدتاً مرکب و دوجزئی است به عاریت گرفته می‌شود و تک‌تک اجزای آن به فارسی ترجمه می‌شود. مثلاً سبب‌زمینی، دوچرخه، بلندگو، آسمان‌خراش، راه آهن، نقطه نظر، صلیب سرخ^۵.

۲) گرت‌برداری اصطلاحی^۶

حالتی است که در آن اصطلاحات زبان فرانسه ترجمه و به عاریت گرفته می‌شوند. مانند خواستن توانستن است^۷، چوب لای چرخ کسی گذاشتن^۸، روی کسی حساب کردن^۹، چک سفید امضا به کسی دادن^{۱۰}.

۳) گرت‌برداری دستوری^{۱۱}

یعنی الگوبرداری از قواعد دستوری و ساختارهای زبان فرانسه در زبان فارسی. که این پدیده نیز

¹ Manteau

² Calque

³ Dubois

⁴ Calque morphologique

⁵ Maison + عروس , atelier + عکاسی , rouge + لب , fiche + حقوقی , système + تهویه , sport + فروشگاه ,

⁶ Calque phraséologique (calque idiomatique)

⁷ Vouloir c'est pouvoir.

⁸ Mette des bâtons dans les roues.

⁹ Compter sur quelqu'un.

¹⁰ Donner un chèque en blanc.

¹¹ Calque syntaxique

از طریق ترجمه وارد زبان شده است. این نوع وام‌گیری تنها ساختار جملات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس به نوعی می‌توان گفت که گرده برداری دستوری یعنی نوشتن جمله‌ای فارسی با اسلوب و قواعد دستوری و ساختاری زبان فرانسه، برای نمونه: تکنولوژی می‌رود که جهانی شود^۱ (آینده نزدیک در زبان زبان فرانسه) در حالی که در زبان فارسی بایستی گفته شود تکنولوژی به زودی همه گیر می‌شود.

ج) وام‌گیری آوایی^۲

برخی مواقع وام‌گیری در قالب شکل آوایی واژه اتفاق می‌افتد، یعنی یک کلمه لاتین با قواعد آوایی زبان فرانسه تلفظ می‌شود. ناسیونالیسم^۳، پسیکولوژی^۴ و ... البته در این مورد باید توجه داشت که به دلیل متفاوت بودن رسم الخط دو زبان این وام‌گیری محدود به تلفظ کلمه می‌شود و در شکل نوشتاری کلمه خود را نشان نمی‌دهد. یکی از مشکلات در این نوع وام‌گیری آن است که برخی آواها در زبان فرانسه وجود دارد که زبان فارسی فاقد آن آواها است.

هدف از وام‌گیری واژه‌های بیگانه

به طور کلی واژه‌های وام‌گرفته شده را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: وام‌واژه‌های ناکارآمد^۵ و کارآمد^۶. به نقل از (لوبیه^۷ ۲۰۱۱، ۳۹) فرهنگستان زبان فرانسه واژه‌های به‌عاریت گرفته ناکارآمد را بدین صورت تعریف می‌کند: «واژه‌هایی که برگرفته از یک مد رایج در جامعه است. مانند واژه‌های بیگانه‌ای که در قرن نوزدهم توسط افراد خودنما و فخر فروش، ورزشکاران و یا افرادی که حامی مدرنیته بودند به‌عاریت گرفته شدند. امروزه نیز در اغلب مواقع کلمات به‌عاریت گرفته ناکارآمد توسط این گروه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. معمولاً این افراد واژه‌هایی را به‌کار می‌برند که در زبان فرانسه برای آنها معادلی وجود دارد. به همین دلیل مشاهده می‌شود که برخی فرانسوی‌زبانان از واژه‌هایی مانند *feedback* به جای *speech*، *retour* به جای *Discours*، *customizer* به جای *personnaliser* یا *news* به جای *information* استفاده می‌کنند.» این نوع وام‌واژه‌ها در زبان فارسی وجود دارند و همچنان استفاده می‌شوند. از جمله آن‌ها واژه مزون به جای خانه و ملون به جای طالبی. در مقابل،

¹ La technologie va être mondiale.

² Emprunt phonétique

³ Nationalisme

⁴ Psychologie

⁵ Emprunt inutile

⁶ Emprunt utile

⁷ Loubier

وام‌واژه‌های کارآمد واژه‌هایی را شامل می‌شود که یکی از خلائهای واژگانی زبان فارسی را پر کند. مانند واژه‌های رادیو و تلویزیون.

زبان ابزاری برای انتقال پیام از گوینده به شنونده است. اگر نظام واژگانی و ساختاری زبان مادری گوینده اجازه انتقال پیام از گوینده به شنونده را می‌دهد، در این صورت باید از کاربرد واژه‌های بیگانه پرهیز کرد. در صورت عدم رعایت این اصل، به این واژه‌ها وام‌واژه‌های ناکارآمد گفته می‌شود. واژه‌های به‌عاریت‌گرفته ناکارآمد برای زبان مقصد به‌نوعی یک خطر محسوب می‌شود، و چنانچه گویشوران بومی از به‌عاریت‌گرفتن وام‌واژه‌های ناکارآمد افراطی دست برندارند به مرور زمان این پدیده منجر به نابودی هویت زبان مادری‌شان خواهد شد.

بحث و بررسی

پژوهشگر پس از بررسی و مطالعه در زمینه ریشه وام‌گیری‌های ناکارآمد، با بهره‌گیری از نظریه پژوهشگران فرانسوی پیرامون وام‌گیری، به چهار عامل زمینه‌ساز زیر مطابق با زبان فارسی دست‌یافته است:

۱- دیدگاه‌های غیرواقعی فارسی‌زبانان

برتری کشورهای غربی به‌لحاظ فناوری سبب شده‌است تا نوعی دیدگاه غیرواقعی و اغراق‌آمیز نزد فارسی‌زبانان ایجاد شود. از نظر این افراد چون کشورهای غربی در صنعت پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند پس در تمامی موارد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... بهترین هستند. در رابطه با اصل برترانگاری کشورهای توسعه‌یافته در بخش تکنولوژی و تأثیر آن در نیاز ملل دیگر به وام‌گیری واژگانی از این کشورها، دوروا (۲۰۱۳، ۵۱) «منطقاً افراد واژه‌ای را به‌عاریت می‌گیرند که کمبود آن احساس می‌شود. معمولاً وام‌گیری واژه‌ها با احساس نیاز به آنها توجیه می‌شود ولی آنچه به‌وضوح دیده می‌شود آن است که در بین دو گروه اجتماعی که یکی بر دیگری برتری قابل‌ملاحظه‌ای در زمینه روشنفکری یا تجهیزاتی دارد اغلب یک رابطه وام‌گیری برای برقراری تعادل ایجاد می‌شود.» چنین دیدگاهی سبب می‌شود که این افراد به استفاده از وام‌واژه‌های ناکارآمد روی بیاورند. چراکه هدف این افراد تظاهر به مدرنیته و پیشرفت همچون غربی‌ها است و استفاده از این وام‌واژه‌ها نشان‌دهنده طبقه بالای اجتماعی آنها است. چنین وضعیتی برای زبان فرانسه نیز در ارتباط با وام‌واژه‌های انگلیسی به‌وقوع پیوست، هاگژ^۱ (۲۰۰۶، ۴۲) به‌نقل از نواب‌زاده (۱۳۹۳) معتقد است: «استفاده از واژه‌های انگلیسی همیشه تلاش برای غنی‌کردن زبان‌های اروپایی و آسیایی جنوب شرقی نیست، بلکه یکی از

¹ Hagège

دلایل وام‌گیری واژه‌های انگلیسی در واقع نوعی تمایل و تظاهر به برتری و خودنمایی است.» در پرسشنامه مذکور برای نمونه از دانشجویان در مورد کلمه مزون عروس مورد سؤال قرار گرفت که در پاسخ اکثر دانشجویان به نقش پررنگ واژه مزون در جلب توجه نسبت به چنین مغازه‌هایی اذعان داشتند. دانشجویان نیز همگی معتقد بودند که استفاده از چنین کلماتی باعث هرچه بارز شدن وجهه اجتماعی می‌شود.

۲- عدم تسلط کافی به زبان مادری

پیرامون این زمینه «روشن است که هرچه افراد دارای توانایی زبانی بالاتری باشند در موقعیت مناسب‌تری می‌توانند کلمات را به‌عاریت بگیرند و بالعکس هرچه افراد دارای توانایی کمتری باشند بیشتر به سمت استفاده از کلمات بیگانه روی می‌آورند و یا کلماتی را به‌وجود می‌آورند که اصلاً در تناسب با زبان مادری‌شان نیست، چراکه این افراد نسبت به وجود و استفاده این کلمات در زبان مادری‌شان آگاه نیستند.» (لوبیه ۲۰۱۱، ۳۲)

در اینجا در بحث از وام‌واژه‌های غیرضروری بایستی کلماتی را که افراد به‌منظور خودنمایی استفاده می‌کنند از وام‌واژه‌های ناکارآمد متمایز کرد. در وام‌واژه‌ها با هدف خودنمایی افراد نسبت به وجود آن کلمه در زبان مادری‌شان آگاه هستند. در مقابل، افرادی که از وام‌واژه‌های ناکارآمد استفاده می‌کنند از وجود معادل آن در زبان‌شان آگاه نیستند.

۳- ارائه معادل مناسب با تأخیر نسبتاً طولانی پس از ورود وام‌واژه به زبان مردم

بسیار اتفاق می‌افتد که وسیله‌ای جدید وارد بازار شده و با نام غربی آن شناخته می‌شود اما مدت‌ها بعد فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل فارسی آن را ارائه می‌دهد. همین امر باعث می‌شود که ذهن افراد در این فاصله زمانی بر اثر استفاده مکرر با واژه غربی مأنوس شود و این امر نیز پذیرفتن هرگونه جانشینی برای آن را دشوار می‌نماید. گرچه فرهنگستان زبان و ادب فارسی مسئولیت واژه‌سازی برای فارسی‌زبانان را به عهده گرفته است اما برخی مواقع واژه‌هایی را که ابداع می‌کند مورد اقبال عموم مردم قرار نمی‌گیرد. یکی از دلایل این مسئله همین فاصله زمانی بین ورود وام‌واژه و معادل فارسی آن است. برای نمونه واژه نماپر سال‌ها بعد از استفاده مردم از فاکس و تلکس ارائه شد، یا لوح فشرده برای سی‌دی، نماگر برای فتوکپی، یا رایانه برای کامپیوتر. برخی مواقع نیز معادل ارائه شده چه به‌لحاظ آوایی و چه به‌لحاظ معنایی شیوا و یا مورد پذیرش مردم نیست. مانند گردلقمه، پرده‌نما و گاه نیز معادل فارسی مطول است و به‌سبب سهولت و روانی آوایی وام‌واژه باعث می‌شود استفاده از آن رواج پیدا کند. برای نمونه به‌جای جمله‌هایی نظیر «هیچ مشکلی نیست» یا «همه چیز خوب و درست است» گفته می‌شود: «اوکیه / اوکی هست.»

۴- رسایی وام‌واژه در بحث‌های تخصصی نسبت به معادل فارسی (اصطلاحات تخصصی)

در تخصص‌هایی نظیر کامپیوتر، پزشکی و مهندسی، گاه خود وام‌واژه نسبت به معادل فارسی آن مفهوم را بهتر انتقال می‌دهد. این امر به علت جامع‌المعنی بودن وام‌واژه موردنظر است و درحقیقت ارائه معادلی جامع و کامل برای آن مستلزم تعریف آن اصطلاح به زبان فارسی است. نمونه‌هایی از این پدیده را می‌توان در صحبت‌های پزشکان، فیلسوفان و استادان دانشگاه به‌وضوح مشاهده کرد. استفاده از وام‌واژه‌ها در این محیط‌ها به این علت است که معادل مناسبی برای این اصطلاحات وجود ندارد. در چنین وضعیتی گاه یک وام‌واژه دربرگیرنده چند کلمه یا حتی چند جمله فارسی است. این آسان‌سازی کار باعث رواج وام‌واژه موردنظر می‌شود. برای نمونه واژه **کمونیسیم** و **واکسن** که معادلی دقیق و کوتاه برای آن‌ها وجود ندارد.

چنانچه در آغاز پژوهش اشاره شد، در راستای دستیابی به عوامل زمینه‌ساز وام‌گیری ناکارآمد در زبان فارسی، پرسش‌نامه‌ای تهیه و در اختیار دانشجویان سال سوم زبان انگلیسی دانشگاه شیراز که زبان فرانسه را به‌عنوان زبان دوم فرا می‌گرفتند قرار داده شد و مؤلفه‌های زیر به‌عنوان انگیزه‌های خود در استفاده از وام‌واژه‌ها استخراج گردید، جدول (۱-۶) به‌ترتیب انگیزه‌ها را براساس فراوانی آن‌ها در پاسخ شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد:

انگیزه‌های وام‌گیری ناکارآمد	درصد
نمایش وجهه اجتماعی	۶۶٪
ایجاد تنوع و پرهیز از یکنواختی در استفاده از واژه‌های فارسی	۱۵٪
جلب توجه مخاطب	۱۱٪
نبود معادل مناسب فارسی	۸٪

(جدول ۱-۶ انگیزه‌های استفاده از وام‌واژه‌های ناکارآمد)

همان‌گونه که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، ۶۶٪ یعنی اکثریت شرکت‌کنندگان نمایش وجهه یا طبقه اجتماعی را یکی از انگیزه‌های اصلی در استفاده از وام‌واژه‌های فرانسوی می‌دانند. ۱۵٪ از شرکت‌کنندگان نیز استفاده از وام‌واژه‌ها را راهی برای ازبین‌بردن یکنواختی زبان قلمداد کرده‌اند. ۱۱٪ از آن‌ها نیز عنوان کرده‌اند که برخی مواقع استفاده از چنین واژه‌هایی باهدف برجسته‌سازی مفهوم موردنظر و به‌نوعی معطوف‌ساختن توجه مخاطب به آن مفهوم، صورت می‌گیرد. هم‌چنین ملاحظه می‌شود که درصد پایینی از شرکت‌کنندگان (۸٪) به نبود معادل فارسی مناسب اشاره کرده‌اند.

واکنش‌های متفاوت متخصصین ایرانی نسبت به وام‌واژه‌ها

وام‌گیری واژه‌ها در زبان فارسی در هر سه حالت، به‌منظور خودنمایی، ناکارآمد و کارآمد در ایران

موجب بروز واکنش‌های متفاوتی شده‌است. گروهی از افراد با هرگونه وام‌گیری واژه‌ها مخالف هستند، گروهی با هرگونه وام‌گیری واژه‌های بیگانه مخالف، گروهی دیگر موافق و گروهی نیز نسبت به آن بی‌تفاوت‌اند. مخالفین، به‌این‌سبب مدعی حذف کامل واژه‌های بیگانه هستند که زبان فارسی با تکیه بر توانایی‌ها و منابع خود می‌تواند کلمات جدید خلق کند. این گروه تمامی انواع وام‌گیری را رد می‌کنند. گروه مدافع این پدیده به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروهی تنها با وام‌واژه‌های کارآمد موافق بوده و گروهی دیگر با هر سه گونه وام‌گیری موافق هستند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که نبود معادل مناسب در زبان فارسی (که طبیعتاً باید معیار اصلی استفاده از وام‌واژه‌ها باشد) گاه کمترین دغدغه استفاده‌کنندگان از وام‌واژه‌های ناکارآمد فرانسوی محسوب می‌شود. بررسی‌ها در این پژوهش حاکی از آن است که نمایش وجهه اجتماعی و متفاوت جلوه‌دادن خود می‌تواند اصلی‌ترین انگیزه استفاده‌کنندگان از وام‌واژه‌های ناکارآمد فرانسوی باشد. همان‌طور که پیش‌ازین گفته شد، به‌نظر می‌رسد استفاده از وام‌واژه‌ها به‌منظور نمایش وجهه اجتماعی، ریشه در پدیده برترانگاری غرب نزد برخی از فارسی‌زبانانی دارد که چنین واژه‌هایی را به‌کار می‌برند. با توجه به آسیب‌هایی که بالارفتن شمار چنین واژه‌هایی به پیکره زبان وارد می‌سازد، بی‌تفاوتی نسبت به این مسئله پیامدهای جبران‌ناپذیر فرهنگی و زبانی را در پی خواهد داشت. از این‌رو به‌نظر می‌رسد لزوم طرح‌ریزی برنامه‌های هدفمند زبانی و فرهنگی از سوی دولت، رسانه‌های جمعی و نهادهای فرهنگی، به‌منظور حساس‌سازی همه اقشار جامعه نسبت به استفاده از وام‌واژه‌های ناکارآمد، باید بیش از پیش مدنظر قرار گیرد.

منابع و ارجاعات

- ترابی، محمدعلی (۱۳۵۶). پژوهشی در واژه‌های فرانسه از زبان فارسی با تحلیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رضایی، ربابه (۱۳۹۶). واژگان تحول‌یافته عربی در فارسی و چالش‌های فراروی مترجمان پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۶)، ۷، ۱۵۰-۱۶۹.
- Doi: 10.22054/rctall.2017.7822 .
- زمردیان، رضا (۱۳۷۳). فرهنگ واژه‌های دخیل اروپایی در فارسی (همراه با ریشه هر واژه). مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- شجاع پوریان، ولی‌الله (۱۳۹۵). فرآیند وام‌گیری و تعامل واژگانی بین زبان فارسی و زبان عربی. مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، (۳۸)، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). مبانی صرف، تهران: سمت.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۴). واژه‌های قرضی در زبان فارسی. نامه فرهنگ، (۱۹)، صص ۹۶-۱۱۱.

عامری، حیات (۱۳۹۵). وام‌واژه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی. *مطالعات تطبیقی فارسی و عربی*، ۱(۲)، صص ۸۷-۱۰۴.
مشیری، مهشید (۱۳۷۱). *فرهنگ واژه‌های اروپایی در فارسی*. تهران: البرز.
نواب‌زاده شفیعی، سپیده (۱۳۹۳). بررسی تغییرات معنایی و کاربردی وام‌واژه‌های زبان فرانسه در فارسی. *علم زبان*، ۲(۳)، صص ۱۰۷-۱۲۸. doi: 10.22054/ls.2014.3109

References

- Ameri, H. (2017). Arabic Loan words in Persian: Phonetic and Semantic Transformations. *JCSFA*. 2017; 1 (2) :87-104
- Deroy, L. (2013). *L'emprunt linguistique*. Paris: Presses universitaires de Liège.
- Deyhime, G. (1981). Les Emprunts du persan au français. *Luqman*, 4(1), pp. 87-103.
- Dubois, j., Giacomo, M. et Guispin, L. (2002). *Dictionnaire de la linguistique*. Paris: Larousse
- Hagège, C. (2006). *Combat pour le français, au nom de la diversité des langues et des cultures*. Paris: Odile Jacob.
- Khalilpour, M. (2013), *Les Emprunts lexicaux du persan au français*. Mémoire de Master 2, Université standal (Grenoble).
- Loubier, C. (2011). *De l'usage de l'emprunt linguistique*. Québec : Office québécois de la langue française.
- Moshiri, Mahshid (1992). Dictionary of European words in Persian. Tehran: Alborz.
- Navabzadeh Shafi'i, S. (2014). An Investigation of Changes in Meaning and Application of French Loan-words in Persian. *Language Science*, 2(3), 107-128. doi: 10.22054/ls.2014.3109
- Ramazani, R. (2017). Arabic Words in Persian Challenges Evolved in Translation. *Translation Researches in the Arabic Language And Literature*, 7(16), 169-150. doi: 10.22054/rctall.2017.7822
- Safavi, Kurosh (1995). Borrowed words in Persian. *Journal Letter of Culture*, (19), pp. 96-111
- Shaghghi, Vida (2007). Basics of etymology, Tehran: Samat
- Shojapourian, Waliullah (2006). The phenomenon of linguistic loan between the Persian and Arabic languages. *Journal of the Iranian Scientific Society of Arabic Language and Literature*, 12 (38), 127-148.
- Torabi, Mohammad Ali (1977). A study of French words from Persian with an analysis from a sociological perspective. Master Thesis, University of Tehran.
- Yule, G. (2014). *The study of language*. Cambridge: University press.
- Zomordian, Reza (1994). *Dictionary of European words in Persian* (with the root of each word). Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Fahandejsaadi, R. (2020). An Investigation into Different Forms of Persian Lexical Borrowing from French, Causes, and Pathology. *Language Art*, 5(3):67-80, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2020.16

URL: <https://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/188>





ORIGINAL RESEARCH PAPER

An Investigation into Different Forms of Persian Lexical Borrowing from French, Causes, and Pathology

Dr. Rahim Fahandej Saadi¹

Assistant Professor of French Language and Literature Department,
University of Shiraz, Shiraz, Iran.



(Received: 07 July 2020; Accepted: 30 August 2020; Published: 01 September 2020)

The Persian language has long been a source of many words from different Eastern and Western languages. One of the languages that has sent many words to Persian, especially in the last century and a half is French. In some cases, these borrowings have met the needs of the Persian language, but also in some others, not only have they not filled language gaps, but they have caused linguistic and cultural damage, too. In addition to examining different ways in which the Persian language borrows from French (complete borrowing, hybridism, composed-hybridism, false friends, and loan translation), this study discusses the necessity and non-necessity of borrowing. The results of this survey and the analysis of extracted data ultimately lead to the presentation of four principles for borrowing to minimize the entry of inefficient words into the Persian language.

Keywords: Lexical Borrowing, Word Loan, Persian, French, Efficient Borrowing, Inefficient Borrowing.

¹ E-mail: rfahandejSaadi@yahoo.fr